

غفلت از خداوند؛ دلیل غفلت از نیازمندان

احمد عدالتیان | در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، آیات پایانی سوره ماعون را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهَوْنَ. الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ وَيَنْفَعُونَ الْمَاعُونَ» وای به حال نمازگزاران! آنان که از نمازشان غافل اند، آنان که پیوسته ریای می‌کنند و از دادن زکات [و وسایل ضروری زندگی] بازمی‌دارند.»

گفتم که این سوره ویژگی‌های افراد منفی را معرفی می‌کند که اولین ویژگی، طرد یتیم و مسکین بود. ویژگی بعدی این است که این افراد در عبادت و نماز خود، اخلاص ندارند و ویژگی آخر اینکه در خدمت به مردم نیز منفی هستند.

این آیات نشان می‌دهد که دین خداوند، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته است و نماز و عبادت در آن، از اطعام مسکین و رسیدگی به محرومان، جدا نیست. البته مراد از تکذیب دین و معاد در این سوره، تکذیب قلبی است نه کلامی؛ زیرا مخاطب سوره، کسانی هستند که نماز می‌خوانند، ولی نمازشان همراه با ریا و خودنمایی و سهو و غفلت است.

در این آیات، اخلاص، شرط قبولی نماز و عبادت دانسته شده است؛ زیرا افرادی که با ریاکاری به دنبال کسب جایگاهی نزد دیگران هستند، از خدا جدا می‌شوند و این غفلت در نماز، در ادامه، بستر غفلت از نیازمندان را نیز فراهم می‌کند.

بنابراین بی‌تفاوتی در برابر نیازهای ضروری مردم، کیفر دارد و بخل، ویژگی متکران معاد است که حتی از قرض دادن چیزهای کوچک و ناچیز، خودداری می‌کنند. امام صادق^(ع) فرمودند: «ماعون شامل هر کار نیکی درباره دیگران، قرض الحسنه، دراختیار قرار دادن وسایل خانه به همسایگان و ازجمله زکات است.»

احکام

حکم شرعی خواستگاری، عقد و ازدواج در ماه‌های محرم و صفر

سمانه رضوانی | ماه‌های محرم و صفر برای شیعیان، ایام سوگاری و اندوه بر مصائب اهل بیت^(ع)، به‌ویژه سالار شهیدان حضرت اباعبدالله^(ع) و یاران باوفایشان است. در این ایام، شیعیان با برگزاری مراسم عزاداری و ترک برخی مظاهر شادی‌آفرین، ارادت خود را به ساحت مقدس آن بزرگواران، نشان می‌دهند. یکی از پرستش‌های رایج در این ایام، حکم شرعی انجام مراسم خواستگاری، عقد دائم یا موقت و برگزاری جشن عروسی در این دو ماه است. آیا این کارها از نظر شرعی، جایز است یا خیر؟

آیت‌الله العظمی شهید خامنه‌ای:

مجرد انجام عقد در ایام عزاداری فی نفسه منعی ندارد. ولی برگزاری مجالس جشن و انجام کارهایی که موجب هتک و بی‌حرمتی شود، درخصوص ایام عزای جایز نیست و حرام است.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی:

عقد کردن در این ایام، اشکالی ندارد اما جنبه‌های شادی در آن باید حذف شود و به اصل عقد که در آن عجله دارند، اکتفا کنند.

آیت‌الله العظمی سیستانی:

اگر در این کار هتک [حرمت] باشد، حرام است.

آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی:

اگر عرفاً مصداق هتک اهل بیت^(ع) باشد، جایز نیست. در غیر این صورت نیز شایسته است از انجام این‌گونه مراسم در ایام عزای و حزن اهل بیت^(ع) اجتناب شود.

سیره بزرگان

خوبی‌ها را پنهان نکنید

علیرضا وکیل‌| گاهی یک جمله کوتاه، شیوه‌ای از زندگی را به انسان می‌آموزد. در روزگاری که نقل عیب‌ها و باز نشر نقاط ضعف دیگران با سرعت فراوان انجام می‌شود، کم‌تر کسی به این فکر می‌کند که خوبی‌ها نیز باید دیده، گفته و منتشر شوند. فرهنگ اسلامی فقط به نهی از غیبت و بدگویی بسنده نکرده، بلکه مؤمنان را به قدردانی از فضایل دیگران و بازگو کردن آن‌ها نیز دعوت کرده است. خاطره‌ای از مرحوم آیت‌الله سیدمحمود طالقانی که از زبان فرزندش نقل شده، نمونه‌ای روشن از همین منش اخلاقی است؛ روایتی که نشان می‌دهد انسان‌های بزرگ، نه‌تنها فضیلت را تشخیص می‌دهند، بلکه در بیان آن نیز سخاوتمندند. در یکی از جلسات شورای انقلاب که مهم‌ترین تصمیم‌های کشور در آن گرفته می‌شد، بحث‌های مختلفی میان اعضا جریان داشت. پس از پایان جلسه، مرحوم آیت‌الله طالقانی سوار خودرو شد تا به منزل بازگردد. در همان لحظه، بی‌مقدمه‌ای از زبان آورد: «این سید، عجب آدم خوش‌فکری است!» فرزندش که همراه ایشان بود، پرسید منظور شما چه کسی است؟ آیت‌الله طالقانی پاسخ داد: «آقای خامنه‌ای را می‌گویم.»

ارزش این خاطره، تنها در تمجید از یک شخصیت نیست، بلکه در روحیه‌ای است که آیت‌الله طالقانی به اطرافیان خود می‌آموخت. ایشان هرگاه سخن یا اندیشه ارزشمندی از کسی می‌شنید، آن را پنهان نمی‌کرد. خود نیز دیگران را سفارش می‌کرد که اگر از کسی مطلب خوبی شنیدید، آن را بازگو و از او تعریف کنید و اگر عیبی دیدید، به جای انتشار آن، با نیت اصلاح تذکر دهید. این همان اخلاقی است که قرآن کریم، مؤمنان را به آن فرامی‌خواند؛ جامعه‌ای که در آن، خوبی‌ها تقویت و بدی‌ها با خیرخواهی اصلاح شود، مسیر رشد را آسان‌تر طی خواهد کرد.

در روایات اهل بیت^(ع) نیز تأکید شده است که مؤمن، آیینیه برادر مؤمن خویش است. آیینیه‌ای که زیبایی‌ها را نیز نشان می‌دهد، نه فقط کاستی‌ها را. انسان منصف، اگر فضیلتی در دیگری ببیند، آن را با گوش جان می‌شنود، بادل می‌پذیرد و با زبان از آن یاد می‌کند. چنین رفتاری نه چاپلوسی است نه مبالغه، بلکه حق‌شناسی و ترویج فضیلت در جامعه است.

شاید یکی از نیازهای امروز ما نیز همین باشد؛ اینکه به جای عادت کردن به باز نشر خطاها، خوبی‌ها را کشف کنیم و با شجاعت از آن‌ها سخن بگوییم. شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله طالقانی به ما آموختند که تعریف از یک فکر درست، نه‌تنها ارزش‌گوينده نمی‌کاهد، بلکه فضیلت را در جامعه تکثیر می‌دهد. گاهی یک جمله صادقانه، مانند همان تعبیر «این سید، عجب آدم خوش‌فکری است»، می‌تواند درسی ماندگار برای ساختن فرهنگ قدردانی و انصاف باشد.

شکر

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

شماره ۲۵
تیرماه ۱۳۸۸
شعبه ۱۴

بیت‌الله

واکاوای معنای بقیه‌الله در زیارت آل یاسین

یادگار ماندگار خدا در زمین

گزارش

حانیه سالم | زیارت آل یاسین، دوره‌ای فشرده از امام‌شناسی و معرفت‌افزایی درباره وجود نورانی امام عصر^(عج) است. توصیه خود حضرت برای خواندن زیارت، این است: «هر زمان اراده کردید که به سبب ما اهل بیت به خدا توجه کنید یا اراده کردید به سوی ما توجه کنید، بگویید همان‌گونه که خداوند متعال گفته است: سلام علی آل یاسین» (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۳). اهل بیت^(ع) در این دیدگاه، وسایل و ابزاری هستند که خود خداوند برای توجه به ذات اقدسش، تعیین کرده است. از این رو آن‌ها که زیارت را شرک می‌پندارند، از این نکته غافل شده‌اند که توجه به حجت‌های الهی و جانشینان خداوند در زمین، نه در عرض پروردگار بلکه در طول توجه به اوست. در همین راستا و با تکیه بر این مبنای معرفتی، قصد داریم به شرح یکی از عمیق‌ترین فرازهای این زیارت، یعنی جمله نورانی «السَّلامُ عَلَیکَ یا بَقِیَّةَ‌اللهِ فی‌ارضه» بپردازیم.

ظهور پایدار

درمقابل بقیه‌الله، زوال است. آیا امکان دارد خداوند که وجود مطلق است، دچار زوال شود؟ قطعاً خیر. اما پرسش اینجااست که نقش اهل بیت^(ع) در این میان چیست؟ اگر این وجودهای مقدس و آیینیه‌های تمام‌نمای صفات الهی نباشند، فیض وجودی خداوند در عالم کثرت و دنیا، به نحو کامل درک نمی‌شود و به‌نوعی زوال در ادراک ظهور رخ می‌دهد. امام صادق^(ع) در روایتی می‌فرماید: «باقیات صالحات :». یعنی آن چیزی که باقی است از صالحات انسان، مودت اهل بیت^(ع) است؛ چراکه آنان بقیه‌الله هستند. وجود آنان، تداوم حضور و ظهور خدا در عالم ماده است تا زمین از فیض الهی، تهی نماند.

واسطه ادراک

ماکه درعالم ماده، گرفتار محدودیت‌های جسمانی و ماهوی هستیم، برای درک حقایق، نیازمند واسطه‌ایم. «بقیه‌الله» به معنای باقی‌مانده ظهور خداست. نه اینکه خدا نتوانسته است کامل ظهور کند، بلکه ما به دلیل نقص وجودی، توان درک آن را نداشته‌ایم. حضرت بقیه‌الله^(عج) با ظهور خود، باطن و ظاهر را به یکدیگر پیوند می‌دهند. ایشان مظهر کامل پروردگارند که بر جسم ناقص زمینی، نور کمال الهی را می‌تابانند و معرفت مؤمنان را به بلوغ نهایی می‌رسانند.

جوهره بقا

السلام علیک یا بقیه‌الله فی ارضه؛ سلام بر تو ای یادگار ماندگار خداوند در زمینش! واژه «بقیه» از ریشه «بقا» به معنای پابندی و ثبات بر حال نخستین است که نقطه مقابل فنا و ناپایداری است. این اصطلاح، گاهی برای آنچه از چیزی برجای مانده است، به‌کار می‌رود. «باقی» بر دو قسم است: نخست «باقی بالذات» که مختص ذات واجب‌الوجود است و در ازل و ابد، بدون هیچ تغییر و فنائی پابنده است. دوم، «باقی بالعرض» که اموری را دربر می‌گیرد که پایداری‌شان، نسبی و وابسته به اراده الهی است. «بقیه‌الله» از اسمایی است که به امام زمان^(عج) نسبت داده‌اند و به دیگر ائمه^(ع) هم نسبت داده‌اند. اما این نسبت برای حضرت حجت^(عج) آشکارتر است.



عبور از ظواهر

زیارت آل یاسین، دعوتی است برای گذار از ظاهر به باطن. با سلام بر «بقیه‌الله»، ما بر تداوم فیض الهی و زوال‌ناپذیری حقیقت نور خدا در زمین، تأکید می‌کنیم. این وجود مقدس، تنها کسی است که می‌تواند حقیقت پنهان عالم را برای ما آشکار سازد. او «بقیه» است؛ یعنی تنها چیزی که از سنگ کمال الهی در زمین، باقی مانده است تا ما را از ضلالت به هدایت و از غفلت به شهود برساند. زیارت او، بیمانی است برای شناخت این حضور تاهم در زمین خاکی و هم در زمین دل، به تماشای ظهور خدا بنشینیم.

معرفت بخشی

شناخت مفهوم بقیه‌الله، درک ما را از نظام هستی متحول می‌کند. وقتی بپذیریم که امام زمان^(عج) بقیه‌الله فی ارضه است، دیگر نگاه ما به دعا و زیارت، نگاهی سطحی نخواهد بود. این شناخت، آفق‌های جدیدی را در عبادت می‌گشاید. در احادیث آمده است که در آخرالزمان، نماز آدمیان کامل می‌شود؛ این کمال نماز، محصول کمال معرفت به حجت است. درواقع، حضور بقیه‌الله در زمین و معرفت به آن، آدمی را از نقصان به سمت کمال سوق می‌دهد.

ظهور در دل

عبارت «فی ارضه» را در این فراز علاوه بر معنای ظاهری زمین، به «دل» نیز تأویل می‌کنند. اگر ظهور جمعی آن حضرت در زمین هنوز محقق نشده است، ظهور شخصی‌شان در زمین دل برای هر مؤمنی، ممکن و بلکه ضروری است. پیش از آنکه این خورشید در آفاق جهان طلوع کند، باید در آفق جان انسان متجلی شود. کسی که با معرفت قلبی، دل خود را از غبار تعلقات، پاک و آن را به جایگاه حضور امام بدل کند، در نتیجه ظهور کامل، خدا را در آیینیه وجود خود تجربه می‌کند؛ تجربه‌ای که حقیقت دین‌داری و کمال عبادت است.

ساعت به وقت فراق

انگار روی قلم مذاب ریخته‌اند. تمام تنم، روحم، همه جانم می‌سوزد.

حالا انگار مرحله انکار، کم‌کم جای خود را به پذیرش می‌دهد. قلم درد می‌کند. چند وقتی است ساکن خیابان‌ها شده‌ام، برای خون خواهی تو!

ساعت این بار از حرکت کند باز نمی‌ایستد، بلکه عقب‌گرد می‌کند به همان صبح بهت‌آور غم‌هایم را انگار از توی کتابخانه غبارآلود قلم کشیده‌اند بیرون و گردگیری کرده‌اند. الان معنی تازه‌شدن داغ را خوب می‌فهمم. آقا جان! تمام قلم، خانه‌ام، تمام شهرم از فقدان درد می‌کند.

گفتم که فراق را نبینم، دیدم آمد به سرم از آنچه می‌ترسیدم

را بازپخش می‌کند، صدایش را زیاد می‌کنم و گوش‌هایم را نیز، شاید بخوای در این شب‌ها برایمان سخن بگویی. امسال شب تاسوعا اما سخت‌تر بود؛ هرچه منتظر ماندم، نیامدی

توی حسینه، آن شب با «ای ایران» بیشتر از هر روزه‌ای اشک ریختم. هیچ‌وقت فکرش را هم نمی‌کردم این مداحی حماسی باعث گریه و بغض من شود، اما هرچه رنگ و بوی تو را داشته باشد، تا ابد باید دیدنش مرا بغضی می‌گیرد که تاته‌گلو می‌آید.

بعضی می‌گویند زخم‌ها چیر را حل می‌کند، اما نه... چهار ماه گذشته و داغ من سرد نشده است. بعد از دیدن تابوت آقا و زهر کو چولو،

مرحله انکار از همان‌جا شروع شد؛ سوگ همیشه بایک «انکار» آغاز می‌شود.

از آن زمان، نه شکرهامثل قبل مایه شیرینی‌اند و نه نمک‌هاشوری پیشین را دارند. من هم مثل همان ساعت، ظاهرم مثل قبل است، اصلاً عیب وعلتی ندارم؛ گرچه توی همان سحر متوقف شدم. لیخند‌هایم مثل قبل نیست. خانه‌ام از آن وقت تا حالا هیچ‌وقت مثل قبل نشده، سیاهی‌هایش پاپرجاست. گریه‌هایم اما خیلی بیشتر از قبل است، ولی خالی نمی‌شوم. این اشک‌ها سبکم نمی‌کند، فقط سنگین‌ترم می‌کند.

هنوز هم گاهی که تلویزیون سخنرانی‌های

ملیکا محمودی | ساعت طلایی بزرگ و بی‌قاعده‌ام را هیچ‌وقت دوست نداشتم، به سایر وسایلم نمی‌آمد. توی خانه یک وصله ناچور بود اما این روزها هر قدر درستش می‌کنم، باتری گران‌قیمت برایش می‌گذارم و نازش را می‌خرم که از حرکت باز نایستد، فایده ندارد. بی‌عیب وعلت است. فقط کار نمی‌کند، مثلاً موقع نماز ظهر، عقربه‌اش روی ۳ نصفه‌شب مانده و انگار زمان برایش ایستاده است، مثل خود من، مثل ایران من. همه چیز برایم از همان یکشنبه «اسفند، ساعت ۵ صبح ایستاد، همان سحری که هنوز سفره‌اش را جمع نکرده بودم که روبان مشکی، کنار صفحه نمایش تلویزیون نقش بست، دلم هری ریخت، اما به ذهنم هرگز خطور نمی‌کرد که خبر درباره تو باشد. آقا جان! باور نکردم.

درنگ

